



فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه

سال نهم - شماره ۲۵ - پاییز ۱۴۰۰

DOI: 10.22084/NAHJ.2021.23147.2590

(مقاله پژوهشی)

مؤلفه‌های تحقق شفافیت در حکومت از دیدگاه امام علی(ع) در نهج البلاغه

سید حسن حسینی^{۱*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷

(از ص ۱۱۱ تا ۱۲۷)

چکیده

یکی از اهرم‌های مبارزه با فساد در سیستم حکومتی، شفافیت است. شفافیت مقوله‌ای است که در جهت تقویت رابطه حکومت با شهروندان، یک حرکت اساسی در بهبود سیاست‌گذاری قلمداد می‌شود. امام علی(ع) برای شفافیت چنان جایگاهی قائل است که وجود آن را در حکومت امری ضروری قلمداد می‌کند. می‌توان گفت این نوع نگاه در بین رهبران تاریخ پرفرازونشیب جوامع انسانی بی‌نظیر است. هدف پژوهش حاضر، کشف مؤلفه‌های تحقق شفافیت در حکومت با استناد به فرمایشات آن امام همام در نهج البلاغه بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از دیدگاه امام علی(ع) در نهج البلاغه، ارائه اطلاعات و اخبار حکومتی به مردم، نظارت و کنترل در امور حکومتی، پاسخگوئی و مسئولیت‌پذیری، مشورت و عدم تکیه بر افکار فردی، حضور در اجتماع و ارتباط صمیمی با مردم، از جمله مؤلفه‌های تحقق شفافیت در حکومت‌اند که حاکم و کارگزاران حکومتی باید از آن‌ها بهره‌جویند؛ تا بسترهای فساد و رانت از جامعه رخت بریندد و آرامش بر جامعه حاکم شود و زمینه مشارکت حداکثری برای رشد و آبادانی جامعه فراهم شود و جامعه سیری به سوی کمال و سعادت پیدا کند.

کلید واژه‌ها: امام علی(ع)، نهج البلاغه، حکومت، شفافیت، مؤلفه‌های تحقق.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

امروزه اصل شفافیت در حکومت، مورد اقبال روزافزونی در عالم سیاست واقع شده است و سیاستمداران و شهروندان، خواهان شفاف‌سازی بیشتر امورند؛ زیرا تقریباً راه‌حل برخورد با هر گونه ناکامی و فساد در سیستم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در شفاف‌سازی برای عموم می‌دانند و معتقدند شفافیت به‌عنوان مطمئن‌ترین، موفق‌ترین، ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین روش برای افزایش کارایی دولت، متناسب‌سازی اندازه دولت، افزایش تعامل مردم و دولت و مشارکت عمومی و یکی از شروط اساسی برای جهت‌گیری اراده اشخاص است که این اراده می‌تواند برای ایجاد دموکراسی^۱ و جامعه مردم‌سالار نقش حیاتی داشته باشد که بدون آن دیالوگی بین شهروندان و دولت وجود ندارد و فساد و سوءاستفاده از قدرت اشاعه می‌یابد. (یزدانی زوز، ۱۳۸۸: ۲۷۸). آنچه موردنظر این پژوهش است، شفافیت از منظر سیاسی و حکومتی است که عمده تمرکز آن بر مبارزه با فساد، مسئولیت‌پذیری و پاسخگو کردن مسئولین یک کشور است. (حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۰۲) که از جمله مفاهیم مدرنی است که در کنار بسیاری از مفاهیم که در دوران مدرن رواج و توسعه یافته‌اند، در ادبیات دینی نیز وجود داشته، ولی متأسفانه به علل مختلف این‌گونه القاء شده که مفاهیمی از این دست زائیده دوران بعد از رنسانس و عصر مدرن بوده و خاستگاه آن نیز غرب است. درحالی‌که سراسر آموزه‌های دینی ما به‌ویژه در حوزه سیاست به بحث شفافیت در حکمرانی اشاره دارد؛ چراکه در نگاه دینی مطالبه شفافیت، نظارت بر حاکمان و پاسخگویی از حکومت هم حق و هم تکلیف مردم است؛ به عبارتی جامعه نمی‌تواند که این مطالبه را از حکومت نداشته باشد و خواهان شفافیت و پاسخگویی حاکمان نباشد؛ اما به دلیل ضعف مراکز دانشگاهی و حوزوی، این آموزه‌ها و مفاهیم تبدیل به نظریه نشده و در نتیجه در اجرا نیز از میانی دینی استفاده نمی‌شود و جامعه و حتی مسئولین تصور می‌کنند که این مفاهیم مربوط به غرب است و در اسلام، قرآن و اهل‌بیت(ع) در این‌باره صحبت و سخنی مطرح نشده است. درحالی‌که در رویکرد دینی به این مفهوم و محتوا اشاره شده است؛ چراکه دستورات صریح اسلام در قرن‌ها قبل از طرح ایده شفافیت در حکومت، در قرآن و روایات و سیره پیامبران و امامان از جمله امام علی(ع) در عرصه حکومت، مفهوم و مبانی آن بیان شده است و بعد از گذشت قرن‌ها، به‌تازگی در فلسفه غرب شفافیت را به‌عنوان دستاوردی بشری و پیش‌نیاز توسعه همه‌جانبه ارائه نموده است.

۱-۱. بیان مسئله

یکی از منابع جامع درباره شفافیت، نهج‌البلاغه می‌باشد. بدون تردید نهج‌البلاغه کتابی حیات‌بخش و ارمغانی الهی برای جامعه بشری است. این کتاب جاوید در عین آنکه بخشی از سخنان و گفتارهای امام علی(ع) را در برمی‌گیرد، به حق حاوی معارفی است که آن را در جایگاهی بس والا پس از قرآن قرار داده است و گنجینه‌ای نفیس از دستورات و معارف ارزشمند است که از جمله آن‌ها می‌توان به شفافیت اشاره نمود که امام علی(ع) در مدت‌زمان کوتاه حکومت خویش، کارگزاران حکومتی را از طرق مختلفی، همچون توصیه و

۱. دموکراسی یا مردم‌سالاری، مفهومی است که به فلسفه سیاست مربوط می‌شود و یک نظام حکومتی و طرحی برای جامعه است که هدف آن، کامیابی فردی و جمعی تمام شهروندان است (واعظی، ۱۳۷۸: ۲۴۸).

سفارش، یا رفتار و منش، به رعایت این اصل مهم سفارش می‌کرد و سلوک حکومتی خویش را بر این مبنا پایه‌ریزی کرده بود. نکته قابل تأمل آنکه این نکات ارزشمند در این باره در چهارده قرن پیش، دورانی که اکثر حکومت‌ها مستبد و به صورت دیکتاتوری اداره می‌شدند مطرح شده است. از این رو در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی از طریق گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق از اسناد و مدارک موجود در موضوع شفافیت، پاسخگویی به این سؤال اصلی دنبال می‌شود که از دیدگاه امام علی(ع) در نهج البلاغه مؤلفه‌های تحقق شفافیت در حکومت کدامند؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

موضوع شفافیت با رویکردهای گوناگونی در پژوهش‌های مختلف بحث و بررسی شده است که به لحاظ نظری پژوهش‌هایی با رویکردهای مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، حسابداری و مالی و ... به بحث شفافیت پرداخته‌اند. یکی از منابع مهم پژوهشی در حوزه شفافیت، کتاب شفافیت و پاسخگویی است که جایگاه و اهمیت شفافیت و پاسخگویی در پارلمان را بررسی کرده است (پارلمان اندونزی و سازمان ملل، ۲۰۱۰).

در خصوص پیشینه مطالعاتی پژوهش نیز باید گفت: پژوهش‌های متعددی با عناوینی مشابه با عنوان این مقاله انجام شده است که اغلب به صورت آمیخته یا مزجی‌اند؛ اما مهم‌ترین آن‌ها که به نوعی با موضوع پژوهش در ارتباط‌اند، عبارتند از: مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام(ص) (درخشه؛ موسوی‌نیا، ۱۳۹۷)؛ بررسی نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب (یزدانی نوز، ۱۳۸۸)؛ زمینه‌های شفافیت اطلاعات و عدالت اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه (حاجیان؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۹۶)؛ شفافیت از دیدگاه حکومت اسلامی و حکمرانی خوب (اختری؛ دارابی، ۱۳۹۸)؛ تبیین مفهوم شفافیت و کاربردهای آن در عرصه حکمرانی و اداره امور دولتی (عبدالحسین زاده، ۱۳۹۷).

جستاری در پژوهش‌های گذشته نشان داد که این پژوهش از دو جهت متمایز از دیگر پژوهش‌هاست: الف) در پرداختن به سیره حکومتی علوی دیدگاه صرفاً تاریخی ندارد، بلکه به دنبال استفاده‌ای نظری و اندیشه‌ای این دوران است. ب) در مقایسه با تلاش‌هایی که در زمینه شفافیت صورت پذیرفته است، به دنبال تبیین سیره و سلوک نظری و عملی امام علی(ع) در تکمیل نظریه اسلامی در موضوع مورد نظر است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

شفافیت یکی از شاخص‌های حکومت‌داری خوب و تقویت‌کننده فعالیت شهروندان در امور سیاسی و اجتماعی است و نقش مهمی که در جلوگیری از فساد اداری دارد و نیز زمینه پاسخگویی و حساب‌دهی بهتر را فراهم می‌کند. لذا امام علی(ع) به‌عنوان الگویی معصوم و موفق در حکومت بر مردم، همواره بر وجود این اصل در حاکمیت تأکید داشت و بر عمل به آن پای‌بند بود؛ چراکه شفافیت را یکی از عناصر و عوامل اساسی و جدایی‌ناپذیر حکومت به حساب می‌آورد. بر این اساس در این مقاله ضمن وقوف بر اهمیت و ضرورت موضوع، می‌کوشیم تا به این موضوع مهم از منظر اسوه‌ترین حاکم دینی - پس از پیامبر اکرم (ص) بپردازیم؛ زیرا

فرض نویسنده بر این است که با بررسی اندیشه علوی درباره موضوع شفافیت، می‌توان به الگویی جزئی نگر و جامع بین در این موضوع دست یافت.

۱-۴. مفهوم شفافیت

«شفافیت» واژه‌ای عربی است از ریشه «شفّ» (حیدری، ۱۴۲۳: ۳۸۸/۱). به معنای نازک بودن، ظریف بودن، روشن بودن و زلال بودن (آذرنوش، ۱۳۸۶: ۳۳۶). این واژه، مصدر اسمی شفاف بوده، شفاف در لغت به هر چیز لطیف و نازک گفته می‌شود که از پشت آن اشیای دیگر نمایان باشد؛ مانند بلور و شیشه (عمید، ۱۳۸۳: ۷۹۷)؛ و جمع آن «شفوف» است (قیومی، ۱۴۱۸: ۱۶۶). با توجه به همین تعبیر، شفافیت را می‌توان به نازکی، درخشندگی و تابناکی تعبیر کرد (معین، ۱۳۸۶: ۶۲۰).

واژه «شفافیت» در اصطلاح کاربردهای گسترده‌ای دارد؛ مثل شفافیت سازمانی، شفافیت مالی و حسابداری، شفافیت اقدامات و مسئولیت‌های دولت، شفافیت اسنادی و... (زندیه؛ سالاروردی، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

سازمان بین‌المللی شفافیت، در تعریف شفافیت می‌گوید: «شفافیت اصلی است که افراد بتوانند از تصمیمات اداری، معاملات تجاری و امور خیریه‌ای که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نه فقط اصل موضوع، تعدد موضوع‌ها و از شیوه‌های تصمیم‌گیری آن‌ها مطلع گردند؛ بلکه وظیفه و تکلیف مستخدمان دولتی و مدیران دولتی این است که رفتار آنان قابل‌رؤیت، قابل پیش‌بینی، قابل‌درک باشد» (Christoper, 2006: 233). به عبارتی دیگر شفافیت عبارت است از آشکار بودن مبنای تصمیمات حکومتی و سازوکارهای حاکم بر توزیع قدرت و درآمد که به‌عنوان مؤثرترین ابزار مبارزه با فساد اداری برای استقرار دولتی کارا و ایجاد جامعه‌ای پایدار (همان). بر این اساس شفافیت را می‌توان اطلاعاتی دانست که نهادها منتشر می‌کنند و همین اطلاعات ارزیابی این نهادها را آسان‌تر و روشن‌تر می‌کند (ضمیری، نصیری حامد، ۱۳۸۹: ۱۸۶)؛ بنابراین شفافیت در حکومت بدین معنا است که تصمیمات یک حاکم یا مسؤول در معرض دید باشد به‌نحوی که امور مربوط به حوزه عمومی، خصوصی نشود و مردم بتوانند مبنای تصمیم حاکم و مسؤول را بشنوند و بدانند.

۲. بحث

۲-۱. مؤلفه‌های تحقق شفافیت

مؤلفه‌های شفافیت به معنای راهنماها، ملاک‌ها و محک‌هایی‌اند که وجود شفافیت در حکومت را نمایان می‌کنند و به‌عنوان علامت‌های مشخص‌کننده این مفهوم محسوب می‌شوند که با کمک این مؤلفه‌ها می‌توان اطلاعات موجود درباره شفافیت را طبقه‌بندی کرد و با استفاده از آن با سرعت و دقت بیشتری به بررسی و تحلیل پدیده مذکور در اندیشه علوی پرداخت.

۲-۱-۱. ارائه اطلاعات و اخبار به مردم

شفافیت در ارتباط با ارائه و دریافت اطلاعات یک حق اساسی بشر است که هم خود به عنوان یک حق مهم است و هم سنگ بنای دموکراسی، مشارکت و حکمرانی مطلوب به حساب می آید (ضمیری؛ نصیری، ۱۳۸۹: ۱۸۶)؛ و از ضروری ترین حقوق اولیه انسان ها، در نظام سیاسی جامعه است، زیرا از این طریق مردم می توانند از تصمیماتی که نسبت به سرنوشت آن ها گرفته می شود اطلاع و آگاهی پیدا کنند. لذا به عقیده «گرین» اساس و پایه دولت را، آگاهی عمومی از اهداف مشترک تشکیل می دهد (عالم، ۱۳۷۳: ۱۷۳)؛ بنابراین یکی از مهم ترین و اساسی ترین مؤلفه های تحقق شفافیت در حکومت را می توان، حق آگاهی و دانستن شهروندان نسبت به مسائل حکومتی و تصمیمات دولتی دانست؛ زیرا در یک جامعه مردم سالار، کل حکومت و اطلاعات به مردم تعلق دارد (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۴۳)؛ و همه باید در جریان اقدامات حکومت قرار گیرند تا ضمن صراحت، زمینه شفافیت سیاسی در مقابل مردم نیز فراهم آید (بخشایش؛ دشتی، ۱۳۹۲: ۶۸).

قرآن کریم، آگاهی بخشی و تعلیم بشر توسط پیامبران را هدف بعثت انبیا ذکر می کند (آل عمران/۱۶۴). در سیره نبوی نیز به حق آگاهی و دانستن مردم توجه شده است که نمونه های متعددی در تاریخ صدر اسلام مشاهده می شود و نشان می دهد که زندگی پیامبر اکرم (ص) از شفافیت در حکومت و اطلاع رسانی به مردم سرشار بوده؛ تا جایی که مصالح امت اسلامی ایجاب می کرده است. در یک مورد نقل شده که وقتی پیامبر اکرم (ص) تصمیم گرفتند مکه را به قصد سرزمین های تیره های «هوازن» و «ثقیف» ترک کنند، حکومت و اداره امور شهر را به «عتاب بن اسید» سپردند که جوانی بردبار و خردمند بود و بیش از بیست بهار از عمر وی نگذشته بود (سبحانی، ۱۳۸۵: ۸۲۷). در اینجا پیش بینی می شد که با وجود برخی افراد مسن، انتصاب وی به عنوان حاکم با انتقادهایی روبرو شود که آن حضرت خطاب به مردم به اطلاع رسانی در خصوص مبنای تصمیم گیری خویش می پردازند؛ تا مردم بدانند که انتخاب وی در چهارچوب ضابطه و مبتنی بر شایستگی او بوده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۲/۲۱-۱۲۳).

در جای جای نهج البلاغه - به عنوان یک منظومه اسلامی - نیز بر ارائه اطلاعات و اخبار حکومتی به مردم و حق دانستن مردم اذعان شده است؛ به صورتی که فقط اسرار نظامی و امنیتی جامعه است که از این حیطة استثناء شده است (خطبه/۵۰)، چراکه در سلوک سیاسی علوی، مردم به عنوان پایه های اصلی حکومت، همواره حق دارند؛ تا در جریان همه مسائل کشور قرار گیرند؛ زیرا پیشرفت جامعه مرهون سازوکارهای قانونمند و سازمان یافته تبادل آراء و عقاید است که نه تنها موجب فراهم نمودن زمینه های مشارکت مردم در تصمیم گیری ها در مسائل عمومی و امکان نظارت مردم بر عملکرد مدیران می شود، بلکه ابزاری مهم برای مبارزه با فساد اداری است، زیرا فساد اداری همانند سایر فعالیت های منفی معمولاً در خفا اتفاق می افتد (بابایی؛ نظری، ۱۳۹۰: ۵۱). بر این اساس می توان دریافت که کارگزاران حکومتی در زمینه اقدامات و تصمیماتی که در ارتباط با حوزه عمومی جامعه اتخاذ می نمایند، در صورتی که احتمال ترتب برداشت های سوء در مورد آن ها وجود داشته باشد، باید اطلاعات لازم را در اختیار مردم قرار داده و به شفاف سازی بپردازند. لذا امام علی (ع) در همین ارتباط در عهدنامه مالک اشتر (زمانی که وی را به حکومت مصر منصوب

فرمود) خطاب به وی چنین دستور داد: «وَ إِنْ طَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ بِكَ حَيْفًا فَأَصْحِرْ لَهُمْ بِعُدْرِكَ وَ اغْدِلْ عَنْكَ طُنُوقَهُمْ بِأَصْحَارِكَ» (نامه/۵۳) و هر گاه رعیت بر تو بدگمان گردد، عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده.

همان‌طور که از این فرمان حکومتی استنباط می‌شود، مجرد مشروعیت ذاتی اقدام کارگزاران حکومتی مجوز این نیست که اگر کار او در صورت آن که به شبهه نزد شهروندان منجر شود، از شفاف‌سازی و ارائه اطلاعات به آن‌ها جهت اصلاح نگرششان امتناع نماید. لذا برخی از صاحب‌نظران با استفاده از سخن آن حضرت حکومت را مکلف دانسته‌اند در مواردی که اقدام صورت گرفته، زمینه رفع سوءبرداشت مردم را فراهم نماید؛ حقیقت را برای ایشان آشکار نموده و ضمن متقاعد نمودن آن‌ها، جهلشان را مرتفع سازد (حسن‌زاده آملی، ۱۴۰۰: ۲۹۴/۲۰)؛ بنابراین، شفاف‌سازی در اتخاذ تصمیمات حکومتی و آشکار کردن آن، از جمله مؤلفه‌های مهم تحقق شفافیت در حکومت است که حاکمان و زمامداران از آن بهره می‌گیرند تا بدین‌وسیله بدگمانی‌ها و سوءظن‌های احتمالی دفع شود. چنانکه امام علی(ع) تصمیم به سکوتش در مقابل غصب خلافت را، به‌طور شفاف به اطلاع مردم رساند و درباره علت آن فرمود: «فَنظَرْتُ فَإِذَا لَيْسَ لِي مُعِينٌ إِلَّا أَهْلُ بَيْتِي فَضَبَنْتُ بِهِمْ عَنِ الْمَوْتِ وَ أَعْصَيْتُ عَلَى الْقَدَى وَ شَرِبْتُ عَلَى الشَّجَا وَ صَبَرْتُ عَلَى أَخْذِ الْكُظْمِ وَ عَلَى أَمْرٍ مِنْ طَعْمِ الْعُلُقَمِ» (خطبه/۲۶) (پس از وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بی‌وفایی یاران)، به اطراف خود نگاه کرده یابوری جز اهل‌بیت خود ندیدم، «که اگر مرا یاری کنند، کشته خواهند شد» پس به مرگ آنان رضایت ندادم. چشم پر از خار و خاشاک را ناچار فرو بستم و با گلویی که استخوان شکسته در آن گیر کرده بود جام تلخ حوادث را نوشیدم و خشم خویش فرو خوردم و بر نوشیدن جام تلخ‌تر از گیاه حنظل، شکیبایی نمودم؛ زیرا جایز نمی‌دانست که این مسئله مهم که احتمالاً باعث ایجاد شبهه نیز در جامعه می‌شد، از آنان مخفی باشد، زیرا حق مردم می‌دانست که از آن آگاه باشند، چون در یک جامعه مردم‌سالار، کل حکومت و اطلاعات آن به مردم تعلق دارد (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۴۳)؛ بنابراین باید حاکم و کارگزاران حکومتی، بسترهای لازم را برای اطلاع‌رسانی در جامعه فراهم کنند و تصمیمات دولتی را در حوزه‌های گوناگون به‌صورت شفاف در اختیار شهروندان قرار دهند. در این صورت است که تبعیت آگاهانه و همراه با تعقل شهروندان از حکومت که مورد تأکید اسلام است، شکل خواهد گرفت که این مسئله را می‌توان یکی از دست‌آوردهای مهم شفافیت در جامعه مردم‌سالار دانست.

۲-۱-۲. نظارت و کنترل کارگزاران

نظارت و کنترل در امر مدیریت در هر حکومتی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا اگر در تشکیلاتی نظارت و کنترل صورت نپذیرد دچار هرج‌ومرج می‌شود و به اهداف از پیش تعیین‌شده، از جمله شفافیت در امور دست نخواهد یافت. لذا مسئله نظارت و کنترل در امور حکومتی از ضروریات است و حاکمان برای رسیدگی دقیق به امور کارکنان و مدیران در رده‌های مختلف، ناچار به نظارت و کنترل دقیق و مستمر می‌باشند که اگر این نظارت در رده‌های مختلف سازمان‌ها و دستگاه‌های حکومتی صورت نپذیرد، چه‌بسا زیان‌های جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد و نتیجه آن بی‌عدالتی، رشوه‌خواری و حیف‌ومیل بیت‌المال و ایجاد مفسد اقتصادی خواهد بود.

از این رو در مدیریت نوین، نظارت و کنترل به منزله یکی از وظایف مدیران در همه سطوح مدیریت از سرپرستی تا عالی اهمیت فراوانی دارد (الوانی، ۱۳۸۱: ۷۸)؛ و از اصلی‌ترین وظایف حاکم اسلامی در عرصه‌های مختلف حکومت برای ارزیابی از عملکرد و برنامه‌های دستگاه‌های زیرمجموعه و بازبایی نقاط قوت و ضعف آنان می‌باشد. بر این اساس امام علی(ع) نظارت و کنترل را یک اصل بنیادی در نظام سیاسی اجتماعی شمرده و حکومت پویا را بر این امر مهم فراخوانده و نتایج آن را، اصلاح امور، پاکسازی نظام، تنبیه متخلفان، دلگرمی مردم، امیدواری و همبستگی و پیوند ملت و امام می‌داند که البته این امر میسر نمی‌شود مگر با حضور ملت در صحنه و آگاهی آنان از عملکرد و برنامه‌های حکومت، چراکه در اندیشه علوی، مردم نقش مهمی در حکومت دارند (طبری، ۱۸۷۹: ۳/۴۵۶)؛ و حق دارند بر روند اجرای امور در چهارچوب مبنای و احکام اسلامی نظارت کنند؛ زیرا مسائل حکومتی عرصه پنهان کاری نیست؛ بنابراین، همه باید در جریان اقدامات حکومت قرار گیرند تا زمینه‌های شفافیت فراهم آید. لذا امام علی(ع) هنگامی که خلافت را به اصرار مردم پذیرفت، صراحتاً مردم را برای نظارت بر عملکرد خود دعوت کرد و به آن‌ها حق نظارت داد و حق نظارتشان را به رسمیت شناخت و فرمود: «خلافت شما را خوش نداشتیم اما اصرار کردید که خلیفه شما باشیم. بدانید که بی‌نظر کلیدهای اموال شما با من است اما بی‌نظر شما یک درهم از آن نمی‌گیرم؛ رضایت می‌دهید؟» (طبری، ۱۳۵۲: ۲۳۲۸)؛ و به‌طور آشکارا مردم را به‌عنوان ناظر بر کارکرد کارگزاران معرفی کرد و خطاب به مردم هر منطقه فرمود: «اگر حاکم شما خلافتی مرتکب شد، او را اطاعت نکرده و مراتب را گزارش دهید» (مفید، ۱۴۱۶: ۴۲۰)؛ بنابراین، اگر نظارت و کنترل به‌طور اصولی و دقیق انجام شود اثرات مثبت آن در جامعه و زندگی افراد آن به‌ظهور خواهد رسید و دیگر کسی جرئت نخواهد کرد برخلاف نظام و قانون عمل نموده و با این کار ناشایست خویش، نظام را در رسیدن به هدف ترسیم شده با مشکل روبه‌رو نماید. البته ناگفته نماند که در بحث نظارت و کنترل، دو مسئله باید مدنظر قرار گیرد:

۲-۱-۱-۲. نظارت به دور از مسامحه

در امر نظارت و کنترل، نباید هیچ‌گونه مسامحه‌ای در کار باشد؛ زیرا نظارت تنها بر امور سطوح پایین کارکنان نظام صورت نمی‌پذیرد، بلکه باید در رده‌های پایین تا بالای نظام، این امر خطیر بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای انجام شود و اگر خلاف و ظلمی یا سستی در اجرای امور مشاهده گردید، با صراحت و قاطعیت تمام، رسیدگی شده و احکام لازم صادر شود. همان‌گونه که امام علی(ع) بر کارهای امیران و کارمندان خویش نظارت می‌کرد و دخل و خرج آن‌ها را محاسبه می‌فرمود و هنگامی که به خیانت شخصی از آنان پی می‌برد، بی‌درنگ وی را عزل می‌کرد و اموالی را که اختلاس کرده بود را از او می‌گرفت. لذا وقتی متوجه شد که یکی از کارگزاران آن حضرت مقداری از اموال مسلمانان را برای استفاده شخصی برداشته، به وی چنین نوشت: «بَلَّغْنِي عَنْكَ أَمْرٌ إِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَشْخَطْتَ إِلَيْكَ وَ عَصَيْتَ إِمَامَكَ؛ أَنْتَ تَقْسِمُ فِيَّ الْمُسْلِمِينَ الَّذِي حَازَتْهُ رِمَاخُهُمْ وَ حُبُوبُهُمْ وَ أَرْبَقَتْ عَلَيْهِ دِمَاؤُهُمْ فِيمَنْ اِعْتَمَاكَ مِنْ أَعْرَابِ قَوْمِكَ» (نامه/۴۳) گزارشی از تو به من دادند که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده‌ای و امام خویش را نافرمانی کرده‌ای، خبر رسید که تو غنیمت

مسلمانان را که نیزه‌ها و اسب‌هایشان گردآورده و با ریخته شدن خون‌هایشان به‌دست‌آمده، به اعرابی که خوشاوندان تواند و تو را برگزیدند، می‌بخشی.

در عهدنامه مالک اشتر نیز به این وظیفه مهم حکومتی چنین سفارش می‌فرماید: «وَأَبْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدُوءٌ هُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ، وَالرِّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ» (نامه/۵۳) رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفای‌پیشه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود؛ بنابراین، نظارت عامل مساعدی برای پیشرفت و واداشتن افراد به حرکت و اخلاص و بروز و ظهور شفافیت در کارها و تحقق عدالت فردی و اجتماعی است.

در این عبارت امام(ع) نظارت و بازرسی را حتی برای اعوان و انصار و نزدیکان حاکم نیز ضروری شمرده و آنان را از این امر مستثنی نکرده است... فرمان حضرت مبنی بر تأکید بر جنبه مخفی بازرسی نیز اهمیت دارد؛ زیرا نظارت و کنترل پنهانی و مخفی، دارای آثار مثبت و فراوانی مانند ترغیب کارکنان به امانت‌داری و مدارا با مردم است. همچنین جمله نخست امام در این فرمان «ثم تفقد اعمالهم» کاوش و پیگیری و جست‌وجو و مراقبت را می‌رساند. البته واژه «تفقد» در چند بخش‌نامه امام به مالک تکرار شده، که بیانگر حوزه‌های مختلف کاری و نظارتی است که از جمله نظارت بر دستگاه‌های اجرایی و نظارت بر مالیات و دخل و خرج کشور و بودجه عمومی و بیت‌المال و تأکید بر تولید و سرمایه‌گذاری و آبادانی و عمران و نظارت بر بازار و توزیع و مبادلات اقتصادی و تجارتي و صنعتی و رسیدگی به همه امور مربوط به بازرگانان، صنعتگران، کسبه و تجار و خدمات مربوط به آن‌هاست (دری نجف‌آبادی ۱۳۷۹، به نقل از اخوان کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۰).

۲-۱-۲-۲. نظارت به‌دوراز تبعیض

در امر نظارت و کنترل، نباید هیچ‌گونه تبعیضی وجود داشته باشد که در غیر این صورت نه‌تنها شفافیت در این امر محقق نخواهد شد، بلکه خود بستری برای رانت و فساد ایجاد خواهد کرد. امام علی(ع) با توجه به این مهم به مالک اشتر سفارش می‌کند تا در امر نظارت تبعیض بین نزدیکان خویش با دیگران قائل نشود و مساوات و عدالت را برای همه جاری سازد. این دقت حضرت بیانگر این مسئله است که انسان‌ها معمولاً در برخورد با نزدیکان دچار مسامحه و سستی می‌شوند. لذا برای پیشگیری از این امر می‌فرماید: «فَإِنْ أَخَذَ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةِ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ، أَكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا، فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ، وَأَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ» (نامه/۵۳) و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر؛ بنابراین رعایت و اجرایی شدن اصل نظارت و کنترل موجب می‌شود که اگر انحرافی در مسیر دستیابی به هدف رخ دهد، شناسایی شده و تلاش به‌منظور رفع آن انجام شود (شاه‌آبادی و زرین نعل، ۱۳۹۴: ۱۶) که اگر این اصل به‌طور اصولی و دقیق انجام شود اثرات مثبت آن در جامعه و زندگی افراد آن به‌ظهور خواهد رسید و دیگر کسی جرئت نخواهد کرد که برخلاف نظام و قانون عمل

نموده و با این کار ناشایست خویش، نظام و یا سازمان را در رسیدن به هدف ترسیم شده با مشکل روبه‌رو نماید.

۲-۱-۳. پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری

تا قبل از شکل‌گیری حکومت‌های دموکراتیک، اصل عدم‌پاسخگویی بر رفتار حکومت‌ها حاکم بود و دولت‌ها و حاکمان نسبت به رفتار خود مسئول نبودند. اصل عدم مسئولیت دولت برخاسته از این اندیشه بود که دولت در تمامی اقدامات و رفتاری که توسط ارگان‌های خود انجام می‌دهد، مشروعیت دارد و نه تنها سوءنیت ندارد، بلکه در جهت تأمین آسایش، رفاه و مصالح عامه ملت عمل می‌کند و از آنجاکه رفتارش قانونی و همراه با حسن نیت و اجرای عدالت است، نباید نسبت به این نوع اقدامات، مسئول شناخته شود (عمید زنجانی؛ موسی زاده، ۱۳۹۰: ۳۲۰).

فیلسوفان و متفکران سیاسی پیشین همواره نگران بودند که چگونه می‌توانند قدرت را تحت نظارت و کنترل درآورند و آن را تحت قواعدی چهارچوب بندی کنند؟ راه‌حلی که اندیشمندان جدید با آن، همه این نگرانی‌ها را برطرف کردند، پاسخگویی است (جلالی؛ اژنر، ۱۳۹۵: ۲۸)؛ و در راستای پاسخگو قلمداد کردن دولت‌ها و حاکمان بود که وظایف و مسئولیت‌ها مشخص شد و هر شخص نسبت به اختیاراتی که به او واگذار شده است، مسئول قلمداد گردید؛ بنابراین مسئولیت‌پذیری را می‌توان نتیجه پاسخگویی دانست. از این‌رو هر شخص در راستای مسئولیت‌هایی که بر عهده دارد، باید نزد نهادهای ناظر پاسخگو باشد؛ چراکه لزوم پاسخ گفتن به ذی‌نفعان، افراد را به‌دقت بیشتر در مسئولیت‌ها و وظایفشان و دوری از خطا و اشتباه در کار وادار می‌کند (Armstrong, 2005: 27)؛ و سبب «شفاف‌سازی» و در نتیجه ایجاد فضای اعتماد و اطمینان بین مردم و مسئولان نظام خواهد شد و نیز جلوی بسیاری از اعمال نفوذها و فشارها را خواهد گرفت (ابوالحمد، ۱۳۶۸: ۳۳۶/۱). در واقع از طریق «شفاف‌سازی» می‌توان حتی نسبت به بسیاری از رانت‌های اقتصادی - اجتماعی، پیش‌گیری به عمل آورد. لذا امام علی(ع) در نامه به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان، به این مسئله مهم اشاره دارد و می‌فرماید: «وَ إِنْ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَ أَنْتَ مُسْتَعْرَى لِمَنْ فَوْقَكَ؛ لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَاتَ فِي رِعِيَّةٍ وَ لَا تُخَاطِرَ إِلَّا بِوَثِيقَةٍ؛ وَ فِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنْتَ مِنْ خُزَائِمِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَيَّ، وَ لَعَلِّي أَلَّا أَكُونَ شَرًّا وَ لَاتِكَ لَكَ» (نامه/۵) همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است، باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی، تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی. در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری، امیدوارم برای تو بدترین زمامدار نباشم.

در این نامه امام علی(ع) مفهوم درست حکومت را به اشعث بن قیس و دیگران می‌آموزد و آن اینکه زمامداران و کارگزاران در حیطه عمل خود مسئول و پاسخگو هستند. یعنی حکومت مسئولیت‌پذیری است نه سلطه‌گری. علاوه بر اینکه در این نامه حکمت‌آمیز پاسخگویی دولت اسلامی در تمامی جنبه‌های آن مطرح است (رحمانی، ۱۳۸۳: ۱۱۶). لذا امام علی(ع) مالک اشتر را از اینکه امارت و قدرت را وسیله‌ای برای تحمیل دیدگاه‌های خود بر جامعه قرار دهد نهی می‌کند (شاه‌آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲: ۶).

امام علی(ع) برای نهادینه کردن این مسئله، به مردم اجازه انتقاد از خود را در هر شرایطی می‌دهد: «وَلَا تَتَّخِطُوا مِنِّي مِمَّا يَتَخَفَتُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ وَ لَا تُخَالِطُونِي بِالْمُصَانَعَةِ، وَ لَا تَطُّنُوا فِي اسْتِثْقَالِي فِي حَقِّ قِيلَ لِي وَ لَا التَّمَّاسَ إِعْظَامَ لِنَفْسِي، فَإِنَّهُ مَنِ اسْتَثْقَلَ الْحَقَّ أَنْ يُقَالَ لَهُ أَوْ الْعَدْلَ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ، كَانَ الْعَمَلُ بِمِمَّا أَنْقَلَ عَلَيْهِ» (نامه/۲۱۶) پس با من چنانکه با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند، حرف نزنید و چنانکه از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند دوری نجوید و با ظاهرسازی با من رفتار نکنید و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران آید، یا در پی بزرگ نشان دادن خویشم، زیرا کسی که شنیدن حق، یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن، برای او دشوارتر خواهد بود.

این کلام حکیمانه از حاکم حکیم اسلامی است که خود را در برابر مردم و اجرای حق مسئول و پاسخگو می‌بیند. لذا برای نهادینه شدن این مسئله در حکومت و اطمینان از پاسخگویی اداری، اداره‌ای به نام دارالقصاص را ایجاد کرد. این اداره شبیه به اداره استیناف امروزی است که برای شنیدن شکایات شهروندان در باب سوءاستفاده یا سوء عملکرد (کارکنان) اداره تشکیل شده است (الوانی و دانایی‌فر، ۱۳۸۷: ۲۴۳).

۲-۱-۴. مشورت و عدم تکیه بر افکار فردی

موضوع مشورت از مهم‌ترین مسائل سیاسی اجتماعی است؛ چراکه تجربه نشان داده کسانی که کارهای مهم خویش را با مشورت و صلاح‌اندیشی خردمندان انجام می‌دهند کمتر گرفتار لغزش می‌شوند و برعکس مستبدان به رأی که خود را از افکار دیگران بی‌نیاز می‌بینند و بر افکار فردی خویش اصرار دارند، غالباً گرفتار اشتباهات پرهزینه و یا خطرناک می‌گردند.

قرآن کریم بر اصل شور و مشورت تأکید خاصی ورزیده است. خداوند در قرآن طبق اصل: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بُيْتِهِمْ﴾ (شوری/۳۸)؛ مؤمنان را به مشورت فراخوانده؛ و نیز مطابق اصل: ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ (آل عمران/۱۵۹)؛ رهبری جامعه اسلامی را نیز به شور و مشورت دعوت کرده است؛ چراکه بعد از نماز مهم‌ترین مسئله اجتماعی همان اصل «شورا» است، که بدون آن همه کارها ناقص است. یک انسان هر قدر از نظر فکری نیرومند باشد، نسبت به مسائل مختلف تنها از یک یا چند بعد می‌نگرد و لذا ابعاد دیگر بر او مجهول می‌ماند، اما هنگامی که مسائل در شورا مطرح گردد و عقل‌ها و تجارب و دیدگاه‌های مختلف به کمک هم بشتابند مسائل کاملاً پخته و کم عیب و نقص می‌گردد و از لغزش دورتر است (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۴۶۲/۲۰-۴۶۱). براین اساس شورا و مشورت، از مهم‌ترین اصول مورد تأکید، در سیاست اسلامی است که می‌تواند به‌عنوان مؤلفه‌ای ارزشمند برای اصل شفافیت محسوب گردد؛ چراکه اصل شورا، از جمله اصول عقلایی مورد امضای شارع مقدس است که قرآن کریم بر این اصل تأکید دارد و آن را یکی از خصلت‌های بارز و خاص جامعه اسلامی در مدیریت جامعه معرفی می‌کند (شعبانی، ۱۳۷۴: ۱۴۷). لذا در اندیشه سیاسی علوی مشورت و صلاح‌اندیش از مؤکدترین امور در روش، منش و رفتار سیاسی و مدیریتی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳: ۹۷)، زیرا مشورت هدایتگر و مشورت با افراد متخصص مانع گمراهی است: «مَنْ اسْتَعَانَ بِدَوَى الْأَلْبَابِ سَلَكَ سَبِيلَ الرَّشَادِ» (کمپانی، ۱۳۶۲: ۸۳). هر کس از طریق مشورت از خردمندان یاری جوید راه هدایت و راست را بییماید؛ زیرا مشاوره و تبادل نظر با دانشمندان و علما از بسیاری آفت‌های سیاسی و خطاهای احتمالی جلوگیری می‌کند (بابازاده، ۱۳۷۹: ۹۱)؛ بنابراین اگر فرد یا جامعه‌ای زمینه شنیدن، تحمل

و به کارگیری اندیشه و نظر دیگران را فراهم کند، مواضع اشتباهات را خواهد شناخت و به حقیقت خواهد رسید: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطِئِ» (حکمت/۱۷۳) آن کس که از افکار و آرای گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد.

در سلوک سیاسی علوی مشورت نه وسیله‌ای برای آگاهی و دانایی ناآگاهان، بلکه ابزار مهم آگاهان و خردمندان برای تصمیم‌گیری درست‌تر و استفاده حداکثری از فرصت‌ها، برای رسیدن به اهداف و تحقق حکومت الگو می‌باشد. لذا امام علی(ع) در راستای تحقق حکومت الگو، همواره در بسط فرهنگ مشورت و توجه دادن مردم و جامعه به این امر مهم سعی می‌کرد؛ تا جایی که حتی شخص خود را نیز بی‌نیاز از مشورت نمی‌دانست (خطبه/۲۱۶)؛ زیرا مشورت را محکم‌کننده و تکیه‌گاه و موجب استواری و اطمینان آرا و نظرات و تصمیم‌گیری‌ها می‌داند و زمامدار و دولتمردان شایسته را کسانی می‌داند که با مردم به مشورت می‌نشینند و از نظرات سودمند آنان استفاده می‌کنند: «لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمَشَاوَرَةِ» (حکمت/۱۱۳) هیچ پشتیبان و تکیه‌گاهی مطمئن‌تر از مشورت وجود ندارد. البته زمانی این اصل و دستور اسلامی می‌تواند آثار مفید خود را بر جای گذارد که طرف مشورت - یعنی مردم - آگاهی لازم را داشته باشند. در نتیجه، می‌توان مشورت و شفافیت را لازم ملزوم یکدیگر دانست و هر کدام را مبنایی برای دیگری دانست.

امام علی(ع) با آنکه از مقام عصمت و طهارت و نیز از علم و دانش بالا و هم‌چنین از نظر علم به سیاست و حکومت سرآمد همگان بود و از مشورت سایرین بی‌نیاز بود، باز هم همواره به کارگزاران و مردم توصیه می‌کرد که از مشورت دادن به ایشان خودداری نکنند: «فَلَا تَكْفُؤُوا عَنْ مَقَالَةٍ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَ مَا بَيَّنَّ لَكُمْ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ أَنْ أُخْطِئَ» (خطبه/۲۱۶) پس از گفتن حق، یا مشورت در عدالت خودداری نکنید، زیرا خود را برتر از آن که اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی‌دانم. لذا در دوران زمامداری، در تمامی امور به مشورت با اطرافیان می‌پرداخت؛ تا با شفافیت هرچه بیشتر به امور حکومتی رسیدگی کند؛ چنانکه به عبدالله بن عباس در مورد نظری که در موردی داده بود و نظر آن حضرت نیز مخالف با نظر او بود به وی فرمود: «لَكَ أَنْ تُشِيرَ عَلَيَّ وَ أَرَى، فَإِنَّ عَصِيئَتَكَ فَأُطِيعُنِي» (حکمت/۳۲۱) بر تو است که رأی خود را به من بگویی و من باید پیرامون آن بیندیشم، آنگاه اگر خلاف نظر تو فرمان دادم باید اطاعت کنی.

از جمله مواردی که لازم است درباره آن، حاکم و دولتمردان به مشورت روی آورند، انتخاب مدیران و کارگزاران در رده‌های مختلف است که باید با صاحب‌نظران در این مورد به مشورت بنشینند تا انتخاب درستی به‌دوراز اشتباه داشته باشند. از این رو در عهدنامه مالک اشتر نسبت به این مسئله به وی سفارش می‌کند و می‌فرماید: «وَلَهُمْ مُحَابَاةٌ وَأَثَرَةٌ، فَإِنَّمَا جَمَاعٌ مِنْ شَعْبِ الْجُورِ وَالْحَيَاةِ» (نامه/۵۳) با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن، زیرا نوعی ستمگری و خیانت است.

نکته مهمی که در مورد مشورت وجود دارد، این است که مشورتی موجب راهیابی درست به مقصد و جلوگیری از لغزش و پشیمانی‌ها و موجب شفافیت صحیح می‌شود که با آداب درست آن صورت پذیرد، یعنی از افراد و مشاورانی کار درست و باتجربه بهره گرفته شود که متصف به صفات پروا پیشگی و خداترسی و رازداری و شجاعت باشند. لذا امام علی(ع) به مالک اشتر به‌عنوان کارگزار حکومتی به برخی از این آداب اشاره می‌کند و می‌فرماید: از مشورت با افراد ترسو و بخیل و حریص پرهیز شود (نامه/۵۳)؛ بنابراین برای

اینکه شفافیت در امور حکومتی به مرحله عمل برسد و برنامه‌ها و مسائل حکومتی به صورت آشکارا در محضر همگان قرار گیرد، بایستی از اصل مشورت بهره گرفته شود.

۲-۱-۵. حضور در اجتماع و ارتباط صمیمی با مردم

از عوامل مؤثر در رابطه مردم و حکومت موقعیت مردم در دیدگاه حکومت است که حکومت به مردم و به خود با چه دیدگاهی نگاه می‌کند. «آیا با این چشم که آن‌ها برده و مملوک‌اند و حکومت مالک و صاحب‌اختیار؟ یا با این دیدگاه که آن‌ها صاحب‌حق‌اند و او خود تنها نماینده و وکیل است؟ در صورت اول هر خدمتی که نسبت به مردم انجام می‌دهد از نوع تیمار است که مالک یک حیوان برای حیوان خویش، انجام می‌دهد و در صورت دوم از نوع خدمتی است که یک امین صالح انجام می‌دهد. اعتراف حکومت به حقوق واقعی مردم و احتراز از هر نوع عملی که مشعر بر نفی حق حاکمیت آن‌هاست، از شرایط اولیه جلب رضایت و اطمینان است» (مطهری، ۱۳۵۴، به نقل از مروتی؛ رضایی، ۱۳۹۲: ۲۶).

امام علی(ع) در سلوک سیاسی خویش، تمام آنچه که زمامداران خودسر و ستمگر پسندیدند را زیر پا گذاشت، از همین روی در دستورالعمل‌های دولتی و رهنمودهای مدیریتی خود به تعیین رابطه صحیح زمامدار و مردم پرداخت؛ چراکه آن حضرت رابطه مردم و زمامدار را رابطه‌ای دوسویه و متقابل براساس رابطه دو صاحب‌حق می‌دانست (خطبه/۳۴)؛ و همه تلاش خود را برای تحقق این رابطه به کار بست؛ و چنان رفتار می‌کرد که میان او و مردمش هیچ پرده‌ای حائل نشود و مردم با او احساس نزدیکی و بی‌پیرایگی کنند. لذا امام علی(ع) همواره بر وجود حاکم و کارگزاران مردمی تأکید دارد و خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «وَاجْعَلْ لِدَوِي الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تَفْرَعُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ، وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًا، فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ، وَتُقْعَدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَأَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَشَرِطِكَ، حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمَهُمْ غَيْرَ مُتَمَتِّعٍ» (خطبه/۵۳) پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند. در دستور دیگری نیز، به مالک اشتر توصیه می‌کند که خود را از شهروندان پنهان‌نواز و بین خود و آنان مانعی قرار نده: «فَلَا تُطْوِلَنَّ اخْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ، فَإِنَّ اخْتِجَابَ الْوَلَاةِ عَنِ الرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنَ الصِّيقِ، وَقَلَّةٌ عِلْمٌ بِالْأُمُورِ؛ وَالْإخْتِجَابُ مِنْهُمْ يَفْطَعُ عَنْهُمْ عِلْمَ مَا اخْتَجَبُوا دُونَهُ، فَيَصْغُرُ عِنْدَهُمُ الْكَبِيرُ وَيَعْظُمُ الصَّغِيرُ، وَيَقْبُحُ الْحَسَنُ وَيَحْسُنُ الْقَبِيحُ، وَيُشَابُّ الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ» (نامه/۵۳) هیچ‌گاه خود را فراوان از مردم پنهان‌مدار، که پنهان بودن رهبران، نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه می‌باشد. پنهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می‌دارد، پس کار بزرگ، اندک و کار اندک بزرگ جلوه می‌کند، زیبا زشت و زشت زیبا می‌نماید و باطل به لباس حق درآید.

امام علی(ع) برای تحقق ارتباط مستقیم کارگزاران حکومتی با مردم و در نتیجه تحقق شفافیت در امور حکومتی، به مالک اشتر دستور می‌دهد که مناسبات پیچیده اداری را در موارد مختلف حذف کن و خود به مطالبات مردم رسیدگی نما: «تَمُّ أُمُورٍ مِنْ أُمُورِكَ لَا بُدَّ لَكَ مِنْ مِبَاشَرَتِهَا مِنْهَا إِجَابَةٌ عَمَّا لَكَ بِمَا يَعْنِي عَنْهُ كُنَائِكَ وَ مِنْهَا إِصْدَارُ حَاجَاتِ النَّاسِ يَوْمَ وُزِدَهَا عَلَيْكَ بِمَا تَخْرُجُ بِهِ صُدُورُ أَعْوَانِكَ» (نامه/۵۳) بخشی از کارها به گونه‌ای است

که خود باید انجام دهی، مانند پاسخ دادن به کارگزاران دولتی، در آنجا که منشیان تو از پاسخ دادن به آنها درمانده‌اند و دیگر، برآوردن نیاز مردم در همان روزی که به تو عرضه می‌دارند و یارانت در رفع نیاز آنان ناتوانند.

این توصیه ارزشمند، یعنی پنهان نبودن از مردم، یکی از توصیه‌های بسیار مهم ایشان در راستای تحقق اصل شفافیت است و دلالت بر این دارد که باید حاکم جامعه از یک اتصال دائم با مردم برخوردار باشد؛ زیرا «انقطاع از مردم مساوی با انقطاع از اخبار و مسائل مملکت و عدم شفافیت در امور حکومتی است» (موسوی، ۱۳۷۶: ۶۸)؛ بنابراین، نباید زمامداران مسلمان بین خود و مردم فاصله ایجاد کنند و از دسترس آنان دور بمانند. لذا با وجود خطراتی امام علی(ع) را تهدید می‌کرد، همواره مانند رسول خدا(ص) در میان مردم حضور یافته و از مسائل موجود به صورت شفاف باخبر می‌شد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۷۶).

موضوع مهمی که در سلوک سیاسی علوی، مورد تأکید می‌باشد، این است که: «خود حاکم به طور مستقیم، با مردم رابطه داشته باشد و از طریق خود مردم [که طبعاً نیروهای موافق و مخالف را تشکیل می‌دهند]، نسبت به رخدادها و جریان‌ها آگاهی پیدا کند. از دیدگاه امام علی علیه‌السلام بهترین راه، راه ارتباط مستقیم با مردم است؛ زیرا مردم با دیدن والی، حقایق را گفته و از واقعیات پرده برمی‌دارند و این خود وسیله‌ای خواهد بود که حاکم بتواند نسبت به اطلاعات جمع‌آوری شده [از طریق نیروهای مخفی و آشکار] ارزیابی، صحیح و نتیجه‌گیری، منطبق با واقعیات داشته باشد» (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۳۸۸: ۱۳۱-۱۳۲)؛ بنابراین یکی از مؤلفه‌های تحقق شفافیت در حکومت این است که حاکم در بین مردم حضور یابد و خود از مسائل و مشکلات جامعه و حکومت آگاهی پیدا کند. لازمه چنین امری این است که: «سربازان و مأموران حکومتی را بر سر راه مردم قرار ندهد و آنها را ترساند تا به شفافیت موردنظر برسد و مردم بدون ترس و نگرانی و آزادانه اطلاعات را در اختیار حاکم خود قرار دهند» (مغنیه، ۱۳۵۸ق: ۹۹/۴).

نتیجه‌گیری

شفافیت در هر کشور امری بسیار مهم است؛ زیرا یکی از عناصر و عوامل اساسی و جدایی‌ناپذیر در حکومت به شمار می‌آید. این اصل آثاری دارد که هیچ حکومتی نمی‌تواند نسبت به آن بی‌اعتنا باشد. در این مقاله، مؤلفه‌های تحقق شفافیت در حکومت، از دیدگاه امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، تحلیل و بررسی شد و نتایج ذیل به دست آمد:

- ارائه اخبار و اطلاعات حکومتی به شهروندان، مؤلفه مهمی است که در تحقق شفافیت در حکومت نقش دارد. از این رو در جای‌جای نهج‌البلاغه - به عنوان یک منظومه اسلامی - بر ارائه اطلاعات حکومتی به مردم و حق دانستن آنان اذعان شده است؛ به صورتی که فقط اسرار نظامی و امنیتی جامعه است که از این حیطة استثناء شده است؛ چراکه اگر بسترهای لازم برای اطلاع‌رسانی در جامعه فراهم شود و تصمیمات دولتی در حوزه‌های گوناگون به صورت شفاف در اختیار مردم قرار گیرد، تبعیت آگاهانه و همراه با تعقل شهروندان از حکومت که مورد تأکید اسلام است، شکل خواهد گرفت؛ و شفافیت در امور محقق خواهد گردید.

- نظارت و کنترل در امر مدیریت مؤلفه دیگری است که در هر حکومتی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا اگر در تشکیلاتی نظارت و کنترل صورت نپذیرد دچار هرج و مرج می‌شود و به اهداف از پیش تعیین شده، از جمله شفافیت در امور دست نخواهد یافت. براین اساس نظارت، از اصلی‌ترین وظایف حاکم اسلامی در عرصه‌های مختلف حکومت برای ارزیابی از عملکرد و برنامه‌های دستگاه‌های زیرمجموعه و بازیابی نقاط قوت و ضعف آنان می‌باشد. از این رو در حکومت علوی، نظارت یک اصل بنیادی در نظام اجتماعی شمرده شده و حکومت پویا و ملت آگاه را بر این امر مهم فرا خوانده و نتایج آن را، اصلاح امور، پاکسازی نظام، تنبیه متخلفان، دلگرمی مردم، امیدواری ملت و همبستگی و پیوند ملت و امام می‌داند.

- پاسخگویی مؤلفه دیگری است که در تحقق شفافیت در حکومت نقش دارد. از این رو هر شخص در راستای مسئولیت‌هایی که بر عهده دارد، باید نزد نهادهای ناظر پاسخگو باشد؛ چراکه پاسخگویی، سازوکاری برای رام کردن قدرت معرفی شده است؛ زیرا پاسخگویی به عملکرد بهتر و مدیریت مؤثر منجر می‌شود و سبب «شفاف‌سازی» و در نتیجه ایجاد فضای اعتماد و اطمینان بین مردم و مسئولان نظام خواهد شد. در واقع از طریق «شفاف‌سازی» می‌توان حتی نسبت به بسیاری از رانتهای اقتصادی- اجتماعی، پیش‌گیری به عمل آورد. از این روی امام علی(ع) حکومت را مسئولیت‌پذیر و پاسخگو معرفی می‌کند، نه سلطه‌گری، پاسخگویی دولت اسلامی را نیز در تمامی جنبه‌های می‌داند.

- امام علی(ع) در راستای تحقق شفافیت در حکومت، همواره در بسط فرهنگ مشورت و توجه دادن مردم و جامعه به این امر مهم سعی می‌کرد؛ تا جایی که حتی شخص خود را نیز بی‌نیاز از مشورت نمی‌داند. لذا در سلوک مدیریتی علوی، مشورت نه وسیله‌ای برای آگاهی و دانایی ناآگاهان، بلکه ابزار مهم آگاهان و خردمندان برای تصمیم‌گیری درست‌تر و استفاده حداکثری از فرصت‌ها، برای رسیدن به اهداف و تحقق حکومت الگو می‌باشد.

- ارتباط مستمر حاکم و کارگزاران حکومتی با شهروندان از دیدگاه علوی در تحقق شفافیت در حکومت نقش دارد؛ چراکه این مسأله باعث می‌شود؛ تا حاکم و کارگزاران حکومتی، خود به‌طور مستقیم از مسائل و مشکلات جامعه آگاهی پیدا کنند و برای برون‌رفت از آن‌ها چاره‌اندیشی کنند. از این رو لازم است تا حاکم و کارگزاران حکومتی برای رسیدگی به مشکلات مردم بروکراسی و مناسبات پیچیده اداری را در موارد مختلف حذف کنند و خود به‌طور مستقیم به مطالبات مردم رسیدگی نمایند؛ زیرا مردم با دیدن حاکم و کارگزاران حکومتی، حقایق را گفته و از واقعیات پرده برمی‌دارند و این خود وسیله‌ای خواهد بود که حاکم بتواند ارزیابی، صحیح و نتیجه‌گیری، منطبق با واقعیات داشته باشد.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. (۱۳۸۹). ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع).
- ابوالحمد، عبدالحمید. (۱۳۶۸). مبانی سیاست، تهران: توس.
- اختری، سجاد و دارابی، لطف‌الله. (۱۳۹۸). «شفافیت از دیدگاه حکومت اسلامی و حکمرانی خوب». فصلنامه علمی نظارت و بازرسی ناجا. سال ۱۳(۴۷)، ۷۵-۹۰.
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۹۰). «نظارت و مبانی آن در نظام و اندیشه علوی». پژوهش‌نامه علوی. سال دوم، شماره اول، ۱-۱۹.
- الوانی، مهدی. (۱۳۸۱). مدیریت عمومی. تهران: نشر نی.
- الوانی، مهدی و دانایی‌فر، حسن. (۱۳۸۷). گفتارهایی در فلسفه تئوری‌های سازمان‌های دولتی. تهران: انتشارات صفار.
- انصاری، باقر. (۱۳۸۶). «مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات». دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، شماره ۱۲، ۱۳۷-۱۵۸.
- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۶ش). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. تهران: نشر نی.
- بابازاده، علی‌اکبر. (۱۳۷۹). سیمای حکومتی امام علی(ع). قم: انصاریان.
- بابایی، محمدعلی و نظری، زهرا. (۱۳۹۰). «آزادی اطلاعات: محدودیت‌ها، بایدها و نبایدها». فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی. سال هفتم، شماره ۲۶، ۴۷-۷۰.
- بخشایش، احمد و دشتی، فرزانه. (۱۳۹۲). «مردم‌سالاری در حکومت امام علی(ع)». پژوهش‌نامه علوی. سال چهارم، شماره ۲، ۳۹-۶۸.
- جلالی، محمد و اژنر، زهرا. (۱۳۹۵). «پاسخگویی دولت: جایگاه، ارکان و پیش‌شرطها». پژوهش‌های حقوق تطبیقی. سال ۲۰(۱)، ۲۱-۴۴.
- حاجیان، رضا و دلشاد تهرانی، مصطفی؛ امینی حاج آبادی، محمدرضا. (۱۳۹۶). «زمینه‌های شفافیت اطلاعات و عدالت اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه». فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه. سال ۱۶(۵۵)، ۸۱-۱۰۱.
- حبیبی، نادر. (۱۳۷۵). فساد اداری. تهران: وثقی.
- حیدری، محمد. (۱۴۲۳ق). معجم‌الفعال المتداوله. قم: مرکز علمی للدراسات الاسلامیه.
- درخشه، جلال و موسوی نیا، مهدی. (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)». دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های علم و دین، سال ۹(۱)، ۱-۲۸.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۳). تفسیر موضوعی نهج البلاغه. قم: نشر معارف.
- ----- (۱۳۷۹). حکومت حکمت (حکومت در نهج البلاغه). تهران: نشر دریا.
- رحمانی، عبدالحکیم. (۱۳۸۳). «دولت پاسخگو در اسلام». مجله معرفت. شماره ۸۲، ۱۱۳-۱۲۰.
- زندیه، حسن و سالاروردی، حسن. (۱۳۹۲). «شفافیت اسنادی و حق دسترسی آزاد به اطلاعات». فصلنامه گنجینه اسناد، شماره ۲۳(۱)، ۱۱۶-۱۳۴.

- سبحانی، جعفر. (۱۳۸۵). **فروغ ابدیت**. قم: بوستان کتاب.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و جامه‌بزرگی، آمنه. (۱۳۹۲). «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه». **فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه**. سال اول. شماره ۲، ۱۷-۲.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و زرین نعل، زینب. (۱۳۹۴). «رعایت اصول حکومت علوی بسترساز تحقق اهداف حکومت اسلامی». **فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه**. سال سوم، شماره ۱۰، ۲-۲۲.
- ضمیری، عبدالحسین و نصیری حامد، رضا. (۱۳۸۹). «حکمرانی مطلوب و نقش شفافیت در تحقق آن». **پژوهشنامه حقوقی**، شماره ۵۲، ۱۷۳-۲۲۴.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۶۳). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبری، ابن جریر. (۱۸۷۹). **تاریخ طبری**. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ----- (۱۳۵۲). **تاریخ طبری**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۷۳). **بنیادهای علم و سیاست**. تهران: نشر نی.
- عبدالحسین‌زاده، محمد. (۱۳۹۹). «تبیین مفهوم شفافیت و کاربرد آن در عرصه حکمرانی و اداره امور دولتی». **فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان**. سال ۸(۳)، ۱۷۸-۲۰۶.
- عمید، حسن. (۱۳۸۳ش). **فرهنگ فارسی عمید**. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- عمید زنجانی، عباسعلی و موسی‌زاده، ابراهیم. (۱۳۹۰). **نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فاضل موحدی لنگرانی، محمد. (۱۳۸۸). **آیین کشورداری از دیدگاه امام علی علیه‌السلام**. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع).
- قیومی، احمدبن محمد. (۱۴۱۸ق). **المصباح المنیر**. بیروت: المكتبة العصریه.
- کمپانی، محمدحسین. (۱۳۶۲). **منتخب الغرر ۴۰۰ سخن از سخنان حکیمانه علی(ع)**. تهران: انتشارات مفید.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). **بحارالانوار**. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مروتی، سهراب؛ رضایی، زهرا. (۱۳۹۲). «شاخص‌های ارتباط مطلوب مردم با زمامداران در نهج‌البلاغه». **فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه**. سال اول. شماره ۱، ۲۵-۳۷.
- معین، محمد. (۱۳۸۶ش). **فرهنگ فارسی معین**. تهران: انتشارات سرایش.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۳۵۸). **فی ظلال فُحج‌البلاغه**. بیروت: دار العلم للملایین.
- مفید، محمدبن نعمان. (۱۴۱۶). **الجمل**. قم: کنگره شیخ مفید.
- موسوی، سید عباس علی. (۱۳۷۶). **شرح فُحج‌البلاغه**. بیروت: دارالرسول الاکرم.
- واعظی، احمد. (۱۳۷۸). **حکومت دینی**. قم: مرصاد.
- حسن‌زاده آملی، حسن. (۱۴۰۰). **تکمله منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه**. تصحیح ابراهیم میانجی. تهران: مکتبه الاسلامیه.

- یزدانی زنوز، هرمز. (۱۳۸۸). «نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب». نشریه حقوق اساسی. سال ششم، شماره ۱۱، ۲۷۱-۲۹۰.
- Armstrong, E., United Nations Integrity (2005). "Transparency and Accountability in Public Administration: Recent Trend, Regional and International Developments and Emerging Issue", **Economic & Social Journal**, 12(3), 45
- Christopher, H.; Transparency, D. (2006). **The Key to Better Governance**. Oxford: Oxford University Press.